

## سلام کودکانه

### هدیه‌های قشنگ خدا

سلام. دندون من چند روز بود که لق شده بود. امروز بالاخره افتاد. مامانم گفته آگه می‌خوام دندون دایمی‌ام کج در نیاد بهتره بهش زبون نرم. مامان میگه این دندون‌ها هدیه‌های قشنگ خدا به آدم هاست تا با اونا راحت غذا بخورن و موقع خندیدن صورتشون رو خوشگل کنه. خدای مهربون ممنون که هدیه‌های به این قشنگی به ما می‌دی. قول می‌دم مواظبشون باشم.

ارسال نقاشی، قصه،  
خاطره، عکس و ...

۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶  
۲۰۰۰۹۹۹



## دنیای حیوانات

### پاندا کوچولو



پاندا‌های گوگولی‌مگولی رو همه دوست دارن. اونا سفید و سیاهن. گوش‌های سیاهی دارن و جزو خانواده خرس‌ها هستن. پانداها توی چین زندگی می‌کنن و غذای اونا گیاه بامبو هست. البته عسل، ماهی، موز و سیب زمینی هم می‌خورن. پاندا‌های دوست داشتنی خیلی شکمو هستن و در روز ۱۲ ساعت مشغول غذا خوردن میشن. بچه پانداها وقتی گرسنه میشن ممکنه گریه کنن. پانداها خیلی خجالتی هستن. اونا با برخلاف بقیه خرس‌ها، زمستون‌ها به خواب زمستونی نمیرن. متأسفانه این خرس‌ها به خاطر از بین رفتن جنگل‌های بامبو و شکارچی‌های بدجنس در حال انقراضن.

مرجان ساعدی

تصویر سازی ها : سعید مرادی

## شعر

### بادکنک بازیگوش

بادکنک قشنگم  
بزرگه و سفیده  
تا که چشم‌مو بستم  
از پیش من پریده

رفته تا بالا بالا  
روشاخه خونه کرده  
بادکنک بازیگوش  
منودیوونه کرده

مامان مهربونم  
اونوپایین میاره  
به نخ بهش می‌بنده  
تا که نره دوباره

شاعر: سحر بهجو



## شهر قصه

### ستاره دریایی

آب ته دریا تمیز و شفاف بود. ماهی‌ها مشغول بازی بودند. ستاره دریایی، کنار ماهی‌های کوچک می‌چرخید و آواز می‌خواند. ماهی کوچولو به ستاره دریایی گفت:  
- میای با ما بازی کنی؟  
ستاره چرخ می‌زد و گفت:  
- الان گرسنمه، بگذار کمی صدف بخورم، میام.  
ماهی کوچولو گفت:  
- پس زود بیا.  
ستاره به طرف صدف‌ها رفت و هی صدف خورد. مثل بادکنک باد کرد و سنگین شد. ماهی کوچولو پیش ستاره دریایی آمد و گفت:



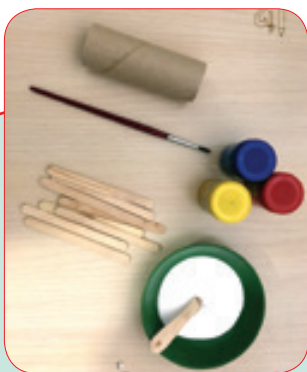
- وای تو که نمی‌تونی تکون بخوری؟  
یک‌دفعه چشمش به ماهی بزرگی افتاد که به طرفشان می‌آمد، گفت:  
- فرار کن.

ستاره خواست فرار کند، اما یکی از دست‌هایش به سنگ مرجانی گیر کرد و کنده شد. ماهی کوچولو از پشت سنگ بیرون آمد:  
- بیا این جا.  
ستاره دریایی که حالا به دستش قطع شده بود، پشت سنگ رفت و پیش ماهی پنهان شد. ماهی بزرگ اونا رو پیدا نکرد و رفت. ستاره دریایی با خوشحالی خندید.  
ماهی کوچولو با تعجب به دست ستاره دریایی نگاه کرد:  
- می‌خندی؟! از این که دستت کنده شده ناراحت نیستی؟  
ستاره دریایی گفت:  
- نگران نباش، آخه من با شماها فرق دارم. چند روز دیگه دستم دوباره در میاد. یادم باشه از این به بعد در خوردن صدف زیاده روی نکنم.  
ماهی کوچولو قلوپ قلوپ خندید. بعد هم از پشت سنگ بیرون آمدند و پیش ماهی‌های دیگر رفتند تا با هم بازی کنند.

نویسنده: عارفه روبین

## هنرمند کوچولو

### جامدادی



#### چی لازم داریم؟

رول دستمال کاغذی  
مقوا - چندتا چوب بستنی  
رنگ گواش - قلم مو  
چسب چوب

#### چطوری درست کنیم؟

اول باید چوب بستنی‌ها تونو رنگ کنین. قلم مو رو بردارین و با رنگ‌هایی که دوست دارین چوب بستنی‌ها رو رنگ کنین. بعد یه کمی صبر کنین تا رنگ چوب بستنی‌ها خشک بشه. حالا پشت هر چوب، کمی چسب چوب بزنین و بعد اونا رو به ترتیب و رول دستمال کاغذی بچسبونین. همه چوب‌ها رو به ترتیب و کنار هم روی رول بچسبونین. حالا برای این که مدادها داخل جامدادی بیرون نریزن باید یک تکه مقوا زیر رول بذارید و اونا هم با چسب بچسبونین. اکنون جامدادی شما آماده است.

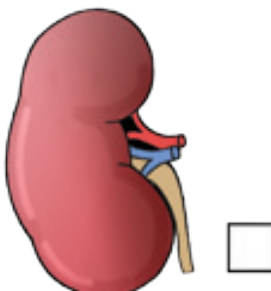
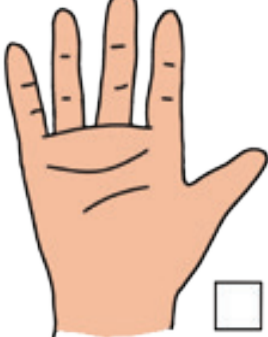
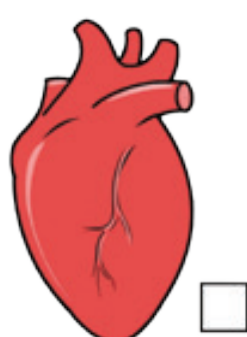
منصوره گلی



## سرگرمی

### بگرد و پیدا کن

از کدام یکی از اعضای بدن که تصویرش رو می‌بینین، در بدن ما فقط یکی وجود داره؟



دوستان گلم شعرهایی که در کنار نقاشی‌های شماست ویژه نقاشی‌های قشنگ شما سروده شده. امیدواریم که خوشتون بیاد. آگه شما هم دوست دارین برای نقاشی‌های قشنگتون شعر گفته بشه لطفاً نقاشی‌هاتون رو برای ما تو تلگرام به شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستین.

#### مهسا قاسمی ۱۰ ساله

خورشید و ابر می‌خوونن  
چه دخترای نازی  
با توپ، طناب و اسکیت  
می‌شن مشغول بازی



#### حسین عباسی ۷ ساله

ماهی قرمز  
خونه‌اش تو دریاست  
خیلی زرنکه  
استاد شناست



#### طاها توکلی ۵ ساله

ماشینای جورواجور  
هوا رو کرده پر دود  
آسمون شهر ما  
شده کثیف و کبود

